



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# در آفاق حماسه عاشورا

سعید خود محمدی خیرآبادی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# در آفاق حماسه عاشورا

نویسنده:

سعید خومحمدی خیرآبادی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	در آفاق حماسه عاشورا
۶	مشخصات کتاب
۶	وجه تسمیه عاشورا
۶	حماسه عاشورا در آینه تاریخ تشیع
۱۲	قیام امام حسین
۱۵	حماسه عاشورا در منظر ادیبان
۱۹	حماسه عاشورا در آینه انقلاب اسلامی
۲۲	نقش حماسه عاشورا در ادبیات (شعر) دفاع مقدس
۲۵	اسوه های اخلاقی در حماسه عاشورا
۲۵	اشاره
۲۶	مروت
۲۶	ایثار
۲۶	مساوات
۲۷	انتخاب انقلابی حر
۲۹	بانوی کربلا
۳۰	رسالت امام سجاد
۳۱	عظمت قیام امام حسین
۳۵	عاشورا «یوم الله» است
۳۶	نتیجه گیری
۳۹	درباره مرکز

## در آفاق حماسه عاشورا

### مشخصات کتاب

عنوان: در آفاق حماسه عاشورا

پدیدآورندگان: امام سوم حسین بن علی (ع) (توصیف گر)

خودمحمدی خیرآبادی، سعید، ۱۳۵۱- (پدید آور)

ناشر: سعید خودمحمدی خیرآبادی

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

توصیفگر: قیام عاشورا

تاریخ تشیع

### وجه تسمیه عاشورا

در کتاب های لغت چنین آمده است: عاشورا با (الف مقصوره) و عاشوراء با (الف ممدوده) را روز دهم و بعضی روز نهم دانسته اند. زهری گفته است: جز در چند مورد، اسمی که بر وزن فاعولاء باشد شنیده نشد. از ابن بزرج نقل شده: «ضاروراء» به معنای «ضبراً» (سختی) و «ساروراء» به معنای «سراً» (گشایش و شادمانی و «دالولاء» به معنای «دلال» به کار رفته است. صاحب مجمع البحرین در این باره گفته است: «عاشورا یک نام اسلامی است و آن روز دهم محرم است و گاهی «الف» بعد از «عین» حذف می گردد و «عشورا» تلفظ می شود». نیز گفته اند: عاشورا کلمه ای است عبری و معرب «عاشور» که دهم تشری یهود باشد که روزه آن روز «گپور» [کفاره] است و چون آن روز را به ماه های عربی انتقال دادند، روز دهم اولین ماه تازیان شد. چنان چه در ماه های یهود هم در اولین ماه و روز دهم است.

### حماسه عاشورا در آینه تاریخ تشیع

عاشورا با تاریخ تشیع آمیخت و چهره ای نو به آن داد. بی تردید، پایداری و بقای شیعه، وامدار آن شد. ده ها قیام در تپش آن احساس، پدید آمد و میلیون ها شیعی با آن واقعه کام گشودند و یا نفس بستند. این نوشته دکتر ابراهیم حسن را می توان به

صدق نزدیک یافت: «تشیع پس از رویداد عاشورا با خون شیعه آمیخت و در ژرفای جان هایشان جوشش زد و اعتقادی راسخ در درونشان، پدید آورد». هم چنین باید از این سخن فیلیپ حتّی یاد کرد که مبدأ ظهور حرکت های شیعی در دهم محرم تکوین یافت. این تحلیل ها، بر تحقیق استوارند. قیام عاشورا، صورت و سیرت شیعه را دگرگون کرد و به آن بار و پشتوانه حماسی داد و تشیّع به نهضت، اعتراض و

قیام مبذل گردید. در پرتو آن قیام، رخنه ای در جبهه متحد خصم اموی پدید آمد و اولین درگیری های ساختگی و واقعی را در میان آنان به وجود آورد. اظهارات یزید در نکوهش ابن زیاد، برخوردهای خانوادگی بین زنان و مادران خاندان اموی با شوهران و فرزندانشان و... نمونه هایی از این مواردند. در ندامت و تأسف و اعتراض عده ای از شرکت جویان در سپاه اموی، نکاتی در منابع تاریخ نقل شده است. اولین زمزمه های اعتراض در روزهای اول حادثه، شنیده شد. از سوی صحابه و تابعین، عمل کرد امویان ناپسند دانسته شد. مردم کوفه و شام و مناطق میان راه در سوگ واقعه سهیم شدند، در کوفه با اعتراض عبدالله بن عقیف قیامی نه چندان وسیع، اما هشدار دهنده، رخ داد. در مدینه، شیون و ناله شهر را فرا گرفت. در این میان، اهل بیت حسین سازماندهان اعتراض بودند، خطبه های آنان شعله های گداخته در خشم نهفته مردم بود. خطابه های امام سجاد، زینب کبرا و... تأثیری حساس و بازماندنی در جاودانگی حادثه داشتند. مورخان گفته اند: «بعد از هر خطبه ای، مردم با گریه و نوحه، به ضجه و زاری می پرداختند و زنان، موهایشان را پریشان می کردند...» این مجموعه، اولین عقب نشینی ها را در کاخ رفیع فرعون اموی همراه داشت. اجازه اقامه عزا به اهل بیت در شام، بازگشت محترمانه کاروان از شام به مدینه و... از آن جمله اند. اما حادثه عاشورا در پرده این تزویرها مدفون نماند. واقعه گدازنده تر از آن بود که عذر و مدافعه، آن را به فراموشی سپرد. اهل بیت پیامبر (ص) در سوگواری ماندند و آتش در خانه هایشان افروخته نشد و رنگ سیاه ماتم، از آنان رخت برنست. مادران و زنان سوگوار واقعه عاشورا اندوه حادثه را



نگاه داشتند. رباب، همسر حسین بن علی (ع) یک سال در بیابان و بدون خانه و سقف زیست، تا یادآور پیکر بی پناه همسرش باشد. سوگ ام البنین، دشمنان قسی القلب خاندان هاشمی را از جا می کند و این رویدادها و تصویرها، ترسیم بدیع از روایت کربلا- بود. آنان که این واقعه را ندیده بودند، در این نمودارها آن رخ داد حزن انگیز را به اندوه عبرت و دریغ نشستند و در خاطر و باورشان، نشانند. نهضت های توّابین، قیام مردم مدینه، شورش مختار و... از شعله عاشورا پرتو گرفتند و در ترکیب خون و پیام آن، فرصت حضور یافتند. در نهضت توّابین، شراره بلند آن، نمایان بود. قیام کنندگان در کنار مزار حسینی چندان گریستند که گفته شد: بیش از آن روز، در کنار آن مزار گریه ای چنین، دیده نشد. آنان خونابه دل را از دیدگاه بیرون ریخته و غم ماندن و در کنار حسین (ع) نبودن را، با توبه ای خونین جبران کردند. آنان درخون خویش خضاب کردند و با جان خود وداع نمودند و در صحنه جهاد، شعار «یا لثارات الحسین» را با خروش می سرودند. گرچه آن نهضت در خون تپید، اما بار عاطفی - حماسی قیام عاشورا را یادآور شد و در وجدان امت شیعی، به یادگار نهاد که اثری کم بها بود. با این اعتراضات، شاخه سفیانی باند اموی، زمینه دوام نیافت. فرزند یزید، از کردار نیاکان، تبری جست و واقعه عاشورا را شرمساری خاندان خویش دانست امّا حادثه عاشورا از نهضت علیه یک شاخه و یا یک نظام حکومتی، خارج شده بود. عاشورا از قالب ها و ظاهرها گذر کرده و در باطن فرهنگ دینی، ره یافته بود، کربلا و شهادت،

دو واژه هم آوا شدند. یاد عاشورا تب و تاب شهادت را می آفرید. در قیام های منتهی به سقوط سلطنت اموی، رگه های آثار قیام عاشورا، پدیدار بود. در جنبش زید و فرزند او، تلالؤ خون رنگ آفتاب حسینی رُخ نمود. در قیام اعتراض آمیز خراسانیان - که به خلافت عبّاسیان انجامید - دعوت به اهل بیت، جذب قلوب می کرد و یاد مظلومیت حسینی، عواطف و احساسات را بر می انگیخت. به نوشته امیر علی: «واژه «اهل بیت» سحر و افسونی را می ماند که دل گروه های گوناگون مردم را گرد آورد و آنان را در لوای پرچم سیاه (رأیت قیام) قرار داد» سلطنت جدید (خلافت عبّاسی) به آن وفادار نماند. هنوز چندی نگذشته بود که عاشورا و ملوکیت، در دو جبهه مقابل قرار گرفتند. خلفای عبّاسی به انهدام مزار و منع زوار حسینی کوشیدند و کار پیشینیان را دنبال کردند. کربلا و عاشورا، جبهه معارض آنان بود، رنگ سیاه و سبز نمی شناخت، با باطن و هویت حکومت ها کار داشت. بی رونقی مزار، از رونق آن نمی کاست. خالص ترین و زیباترین نمایه های عشق و شیفتگی را در این تاریخ، مظلومان شیعی به یادگار نهادند. در این روزگار بود که کربلا، حج اصغر شد و در عرفات آن صحرای بی نام و نشان، مرد و زن در جوّ بیم و هراس، در احرام خونین بودند. در روزگار عبّاسیان نهضت های گوناگون از قیام عاشورا مدد گرفتند. در قیام ابوالسرایا - در زمان خلافت مأمون - این تأثیرپذیری نمایان بود. گفته اند: «او با سپاه به کربلا آمد و در جوار مزار امام جای گرفت و از اهل بیت و ظلم های رفته بر آنان، سخن گفت». این نمونه، نشانه ای از آن بود که مزار امام، میقات قیام

بود. قدرت مندان، آن را به کینه گرفتند و با عاشورا و سنت آن، ناسازگاری نشان دادند. در دوره افول قدرت عباسی و حاکمیت آل بویه، احیای عاشورا از ممنوعیت درآمد. در سلطنت فاطمین نیز، بزرگداشت آن حادثه، مرسوم شد. در هر دو نقطه، این رسم پایدار نماند، با سقوط آل بویه و صعود سلجوقیان به قدرت، رسم پیشین زنده شد و در منطقه مصر، سرنگونی فاطمیان به دست ایوبیان، آن رسم و سنت را برچید. اما این دوره ها فرصت بسط و شمول سنت عاشورا بود و بایستی آن را دوره هایی مبارک برای احیای خاطر عاشورا دانست. این فرصت ها، دوره رسمی شدن سنت عاشورا نیست. آن را بایستی با این زاویه دید و متهم و محکوم کرد. عناصر عاشورا و کربلا و شهادت، نیازمند آن بودند که در دوره های آرام، جذب نیرو کنند و به بسط و شمول در معتقدات و روان نسل جدید جهان اسلام پردازند. نسلی که در دوره انبساط خودگرایی و اوج تمدن اسلامی می زیست و کم و بیش از گذشته تلخ تاریخ سلطنت، بی اطلاع و یا کم اطلاع بود. دوره آل بویه و فاطمین، فرصت هایی بودند که این تبلیغ، میسور شد. آن نسل، کم و بیش دریافتند که در گذشته تاریخ چه انجام شده و آن گذشته، چگونه به حال، پیوند می خورد و هویتی مستقل و جدید را می طلبد. این سخن، در دوره های اخیر نیز صادق است. صفویان در پرداخت به قالب عاطفی عاشورا تلاش کردند هر چند آن را در بُعد حماسی کم بها انگاشتند، اما این دوره فرصت، زمینه ای شد که جان سکنا گزین در این مرز و بوم، با نام و یاد و

تربت و بوی حسینی، هم آمیز شود و چنین شد که حسین و عاشورا در میان جمعیتی همواره در تبعید ورنج، محدود نبود، بلکه اکثریتی عظیم را در برگرفت و بسیاری از خیزش‌ها و تلاش‌ها از میان نسل این اکثریت، جوانه زد و رُخ نمود. این سخن به معنای تطهیر صفویان نیست. آنان در سلسله ملوکیت و پادشاهی می زیستند و با دیانت، نیامیختند، اما نایستی از بهره‌هایی که از آن دوره گرفته شد، غافل ماند. تشیع، پس از یک دوره جنگ و گریز، در عهد صفویه تمرکز یافت و این مرکزیت، به باروری و گردآوری میراث هزار ساله شیعی انجامید.

## قیام امام حسین

امام حسین (ع) و برادر بزرگ‌ترش امام حسن (ع)، به مدّت پنج سال در دامان حضرت رسول اکرم (ص) و دختر ایشان پرورش یافتند. پس از مرگ این دو حضرت علی (ع)، با توجه و مراقبت از این دو چنان کرد که هر دو الگوی رفتاری اسلامی شدند. امام حسین (ع) اندیشمندی والا، اهل عمل و سازنده بود. او شناخت عمیقی از قرآن و سنت حضرت رسول اکرم (ص) و جانشینان او داشت. هیچ کس نمی‌توانست در شخصیت والای امام (ع) تناقضی ببیند. آن حضرت در زهد هم‌تا نداشت. او شخصیتی بی‌نظیر و تجسم عینی یک مسلمان واقعی و معتقد بود. امام حسین (ع) خالصانه معتقد بود که کتاب خدا و رسالت پیامبر تنها راه نجات، رضایت، صلح و پیشرفت بشری است. برای ایشان قابل تحمل نبود که در حکومت اسلامی مردی منحرف و بی‌تعهد، از بالاترین قدرت برخوردار باشد. امام تأکید می‌فرمود که برخورداری از یک شخصیت اخلاقی نیکو به تنهایی برای یک دولتمرد در مقام خلافت کافی نیست، بلکه خلیفه

می بایست مروج حق باشد و حکومت را بپذیرد و با مسئولیت کامل انجام وظیفه کند. امام (ع) دریافت که حکمران جدید مردی است که از تربیت صحیح - که از نشانه های حکم رانان مردمی است - بهره ای نبرده و اعمال او موجب خفت اسلام است. امام با حمایت از اصلاحات و قیامی مؤثر، حکم ران جدید را به مبارزه فرا خواند. با این هدف بی درنگ به دعوت مردم کوفه و عراق پاسخ مثبت داد. در این جا می بایست تأمل کرد و به تصمیم امام حسین (ع) اندیشید. برخی از نویسندگان قیام امام حسین (ع) یک «خلیفه مقبول» را نوعی بی سیاستی می دانند و معتقدند که مقابله با قدرت امویان بدون آمادگی کافی یک اشتباه بوده است. به نظر آنها این عمل بیشتر «جاه طلبانه» بوده است تا عاقلانه. آنان معتقدند که امام بسان دولتمردان عمل نکرده و نگرش ایشان نسبت به این قضیه عاقلانه نبوده است. بنا به گفته خود یزید، امام حسین (ع) آن آیه قرآن کریم را از یاد برده بود که می فرماید: «خداوند که مالک همه چیز است قدرت را به هر آن کس که بخواهد می بخشد و از هر که بخواهد دریغ می کند، مقصود یزید آن بود که خداوند اراده کرده بود که او (یزید) رهبر حکومت اسلامی باشد. پاسخ این است: اسلام و واقع گرایی ای که اسلام منادی آن است این دستاویزها را نمی پذیرد. آنان واقع بین نمی تواند بفهمد که این مکتب به اصطلاح پیشرفته فکری نوظهور در تاریخ اسلام به چه دلیل امام حسین (ع) را مسئول این واقعه شوم قلمداد می کند و چگونه عمل یزید را توجیه می کند. آیا منظور این افراد آن است که تمامی قیام، تفکر و عمل امام

حسین (ع)، در آن برهه حساس تاریخی سیاسی اسلام اشتباه محض بوده است؟ آیا قیام علیه حاکمی که جلوسش بر تخت از پیش و به نحو مشکوکی تعیین شده بود بی سیاستی بود؟ اگر حبّ قدرت انگیزه قیام امام بود، آن حضرت ابتدا کسانی را گرد خود جمع می کرد که از نظر عقیدتی موافق او بودند. امام حسین (ع) مشاهده کرد که بخشی از جامعه مسلمانان در شمال زیر نظر حکومتی اداره می شد که آشکارا تعالیم و سنت حضرت پیامبر (ص) را نفی می کرد، آیا اعتراض و مبارزه علیه چنین حکومتی، عاقلانه و شایسته یک دولتمرد نبود؟ مردم متقی و صلح دوست را با اعمال شریرانه و به زور ارباب و ادار به بیعت کرده بودند. آیا امام (ع) نباید به مسئولان هشدار می داد؟ امام پیش بینی کرد که اگر ایمان به قدرت حیاتی و ویژگی اسلام نابود شود، نسل های آینده نخواهند توانست تصور کنند که اسلام اولیه چه بوده و چگونه نظامی داشته است. آیا این پیش بینی درست نبود؟ و بالاخره تمسّک یزید به قرآن مجید برای توجیه رفتارش نسبت به خاندان بنی فاطمه و حامیان آنها حرکتی سیاست مدارانه بود تا کینه و عناد او را پنهان کند. ظاهراً هنگامی که سر سید الشهداء را به یزید نشان دادند، او آیه: (قل اللهم مالک المُلک..) را خوانده است. کنایه از آن که امام حسین (ع) این مسئله را «نادیده» گرفته است که خداوند مالک کاینات است و قدرت را به هر که بخواهد واگذار می کند. اما یزید خود از همان آغاز حکومت با مخالفت، اعتقاد به عظمت پروردگار را زیر پا گذاشته بود و تنها معتقد به یک چیز بود و آن این

که وی برگزیده پروردگار است. امام حسین (ع) بارها به او و دیگران یادآور شده بود که اصول قرآن باید در تمام شؤون زندگی اعمال شود، نه فقط در بخشی از آن. یزید آشکارا در گمراهی بود. پیوندهای امام حسین (ع) با حضرت محمد (ص)، وارستگی شخصی او شناخت اصول اسلام و خود وجود او در اوج وقایع هراس انگیز دمشق سبب شد که آن حضرت برای نجات کشتی جامعه و حکومت که در حال غرق شدن بود، مسئولانه اقدام کند.

### حماسه عاشورا در منظر ادیبان

ادبیات ملل، با مواد تاریخی می آمیزند و تاریخ های گوناگون، ادبیات و سبک متفاوت را می آفرینند. تاریخ سکون و عشرت، تخیلات لهوآلود را پدید می آورد. و واژه ها در بستر رخوت می غلتند و... اما ادبیات شیعی، از اقیانوس عواطف و حماسه عاشورا بهره می گیرد و به آن وامدار می شود. از ابتدای واقعه، شاعران شیعی از آن حادثه مدد گرفتند و عناصر تخیل را به آن رویداد مظلومانه، آمیخته و سرشک دیده را با خون های مطهر، عجین کردند و از شعر شیعی، سلاح بُران ساختند. کمیت اسدی، چکامه های زیبایی در احیای آن حماسه سرود و از آن، در قصائد خود یاد کرد. در قصیده خویش گفته بود: وقتیل بالطف غودر عنہ بین غوغاء امه و طغام و شهیدی به طف رها شده بود میان گروهی فرومایه و احمق و اوباش او جبهه معارض حسینی را افشا کرد و نشان داد که چگونه سفلگان و بی هنران، مرکب اهداف زورمداران شدند. پس از این سروده بود که امام سجاد (ع) فرمود: ما از ادای پاداش تو ناتوانیم، خداوند به تو پاداش دهد. در روزگاران شهادت زید، ابو ثمیله اَبَّار، در رثای او گفته بود: والئاس قد آمنوا و آل محمد من بین

مقتولِ وین مُشَرِّدِما حُجَّه‌المستبشرین بقتله بالامس او ما عذر اهل المسجد مردم در امتیّت به سر برند و اهل بیت پیامبریا در خون تپیده اند و یا آواره عذر شادمان دیروز شهادت او (زید) و بهانه مسجدیان (در سکوت) چیست؟ ابو ثمیله، با این سرود اشاره ای آشکار به واقعه عاشورا داشت و آن حادثه را در خاطره ها به یاد می آورد. در روزگار امام صادق (ع) بهره وری از حادثه عاشورا در شعر شیعی نمایان تر شد و آن امام همام، به این حضور، عنایت ویژه داشتند. گفته اند: جعفر بن عفان، به محضر امام آمد و حضرت صادق (ع) او را نزدیک خواند و فرمود: ابی جعفر به من گفته اند که تو در رابطه با حسین (ع) شعر می گویی و نیک می سرایی، لذا برای من برخی از اشعارت را بخوان و او چنین خواند: لیبیک علی الاسلام من کان باکیاً فقد ضیعت احکامه واستحلّت غده حسین للرماح دریئه وقد نهلت منه السیوف وعلت وغودر فی الصحراء لحمأ مبدأً علیه عتاق الطیر باتت وظلّت احکام الهی، ضایع و محرّمات او حلال شده است. بامدادان، حسین هدف نیزه های نوآموزان بودشمشیرها از او سیراب شد و بالا رفت او رها شد در صحرا چون گوشت پراکنده که بر آن مرغان شکاری صبح و شام سپری کردندهم چنین از آن امام (ع) نقل شده است که به عماره فرمودند: در باره حسین (ع) شعری بخوان و او می گوید: من شعری را خواندم و حضرت گریست. شعر دیگری را طلب کرد و دو مرتبه اشک ریخت و هم چنان من شعر خواندم و او گریه کرد تا نوای گریه را از تمام خانه شنیدم. این وقایع نشان می دهد که چگونه ائمه: اهتمام داشتند که عاشورا را در صحنه ادبیات شیعی، زنده



نگه دارند و از طریق ذوق و هنر، ذائقه انسانی را با خون و عطر عاشورا آشنا کنند. از شاعران دیگر آن دوره سید حمیری است که در خدمت صادق (ع) چنین سرود: امر علی جدت الحسین فقل لا عظمه الزکیه ما اعظما مازلت من وطفاء ساکبه رویه در پایان قصیده بود که صدای گریه و ناله از بیت امام (ع) برخاست. این هم نوایی حکایتی بود از تأثیر شعر شیعی و تشویق بیت معصومین: از شاعرانی که استعداد خویش در خدمت حماسه عاشورا قرار دادند. منصور نمری - از شاعران دیگر این دوره - سروده بود: تقتل ذریه النبی ویر جون جنان الخلود للقاتل ویلک یا قاتل الحسین لقد بؤت بحمل ینؤ بالحامل ما الشکک عندی فی کفر قاتله لکننی قد اشکک فی الخاذل وای بر شما! نواده های پیامبر کشته می شوند آن گاه برای قاتلان نشان بهشت جاویدان آرزو می کنند! به حال تو ای قاتل حسین! بار گناهی که به دوش می کشی، گران و تحمل ناپذیر است من در کفر قاتل او شک ندارم تردیدم در کفر آنان است که او را در صحنه نبرد، تنها گذاردند. بدین گونه شاعر شیعی، تفکر ترویج یافته را با تردید و نفی مواجه می نماید. او حکایت از جو فتنه آلودی می کند که قاتلان و کشتارکنندگان، تطهیر شده اند و حاکمیت، اذهان ساده و بسیط را ربوده است. در این مقام، شعر شیعی است که نه تنها جبهه معارض حسینی، که صحنه عریض و طویل قافله سکوت را نیز با سؤال مواجه می کند. دعبل، شاعر شهید شیعه نیز با این برداشت ها، حادثه عاشورا را عنصر اصلی شعر حماسی می سازد. در قصیده تائیه سرود: مدارس آیات خلت من تلاوه و منزل الوحی مقفر العرصات افاطم لو خلت الحسین مجدلاً وقد مات عطشائناً بشط ٬ فرات اذن للطمت الخد فاطم

عنده واجريت دمع العين في الوجنات أفاطم قومی یا بنه الخیر واندبى نجوم سماوات بأرض فلاه دیار رسول الله اصبحن بلقعاً و آل زیاد تسكن الحجرات مدارس آیات الهی از تلاوت کننده خالی گشته اندو جایگاه وحی الهی به دیار خشک و تهی مبدل شده است. ای فاطمه! اگر با حسین بر زمین افتاده تنها شدی در حالی که تشنه در کنار شط فرات به درود گفت در آن گاه ای فاطمه! بر چهره چنگ می زدی و اشک دیده را بر گونه ها فرو می ریختی ای فاطمه! ای دختر نیکی! برخیز و گریه و ناله کن ستارگان آسمان بر زمین سرزمین رسول خدا کویر گون است و آل زیاد در قصرهای سنگی سکونت گزیده اند شاعر شیعی در این بستر سوز و گداز، عاشقانه سرود. جاودانگی جوشش خون حسینی را در بهارستان ادبیات شیعی نمایان ساخت و شعر شیعه را بیان سوز و درد نسل مظلوم قرار داد. احمد امین، نگاشته است: ادبیات شیعی، ادبیات عاطفی و با سوز و گداز است و آن را، از ادبیات خوارج، که شعری حماسی است، جدا می دانند. این نظر مورد تصدیق نیست، زیرا شعر شیعی، عاطفه و حماسه را درهم آمیخته است. آن روزگار، سوگ و سرشک در خدمت نهضت قرار داشت. آن گاه که شاعران شیعی از تضييع احكام الهی سخن می گفتند، آیا جز حماسه و خیزش می توان نام دیگر بر آن نهاد. آن زمان که شاعر شیعی سکوت اهل مسجد را در حوادث واقع بر اهل بیت پیامبر (ص) یاد می آورد، جز خروش خشم علیه حکام، نامی دیگر داشت؟ آیا بیهوده بود که شاعری چون دعبل، چهل سال دار خویش را بر دوش می کشید؟ بنابراین، بایستی امتیاز شعر شیعی را از شعر معتزلی، که خردگرایانه بود، و شعر خوارج، که

حماسی و برانگیزاننده بود، در ترکیب خرد و عشق و حماسه داشت. در این میان عاشورا به عواطف و انگیزه های قیام، میدان حضور داد و شعر شیعی را، سرشار از عناصر آن ساخت.

## حماسه عاشورا در آئینه انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی رهین عاشورا است. از آن مایه، مدد گرفت و نصرت یافت. شخصیت ها، حادثه ها، و کلام و سکوت آن واقعه، درس های رهنمای انقلاب بودند. وجدان امّیت شیعی ایران، آن رویداد را با خون و پوست و گوشت و استخوان لمس کرد. نسل ها گذشت و نام کربلا- و عاشورا در یاد و خاطرها عبور کرد. انقلاب، مجال تأویل عینی آن خاطرات را داد. امام خمینی - رهبری کبیر انقلاب - با عاشورا الفتی دیرین داشت، آن حادثه، ایشان را سوگ مندانه در تب و تاب می افکند. اشک امام را جز در مصیبت حسینی، کس بر چهره آن بزرگوار ندید. در هیچ شرایطی از اقامه عزای حسینی روی گردان نشد؛ حتی در پاریس و در اوج قیام، از ولایت خویش غافل نگشت و حوادث روزمره، او را از اقامه عزای حسینی و خواندن زیارت عاشورا باز نداشت. امام خمینی از آنان بود که اعتقاد وافر داشتند که: هیچ چیز، جایگزین احیای آن شعائر نخواهد شد؛ حتی جهاد و طلب دانش را نبایستی بهانه نسیان آن قرار داد. یکی از شاگردان امام، نقل کرده اند: «یکی از علما و مدرسین قم، قصد داشتند برای زیارت به عتبات مشرف شوند. در خدمت امام به دیدن او... در آن مجلس، امام فرمودند: شما برای زیارت به عتبات می روید و حوزه علمیه نجف، جای مباحثات طلبگی است، کسانی که به دیدن شما می آیند، ممکن است بحث های علمی را شروع کنند، مواظب باش، بحث های طلبگی، شما را از زیارت باز ندارد». امام با این

تلقی، نهضت معاصر را رهبری و ارزیابی می کردند. ایشان جز در پرتو این پیوستگی، توفیق نهضت را غیر ممکن می یافتند. در نامه ای از نجف به اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا مرقوم فرمودند: پانزده خرداد که مصادف با دوازده محرم بود، سند زنده مخالفت شجاعانه ملت ایران در مقابل استبداد عمال اجانب و در قبال استعمار چپ و راست بود و از شعله های فروزان نهضت سید مظلومان، در مقابل دستگاه استبدادبنی امیه - علیهم اللعنه - بود. فداکاری ملت شجاع و متدین ایران در سایه فداکاری حضرت سید الشهداء (ع) بود. باید در پناه قضیه بزرگ عاشورا، محرم و پانزده خرداد زنده و جاوید بماند» در مدید ایام نهضت هماوایی، علنی تر شد. قیام ۱۵ خرداد در محرم رُخ داد. سخنرانی امام در عاشورای ۴۲، برای اولین بار در نهضت روحانیت، شخص شاه را مورد تهاجم قرار داد. در آن سخنرانی پرشکوه، هشدار و تهدید کردند: «من به تو نصیحت می کنم: دست از این اعمال و رویه بردار». در همان سخنرانی فرمودند: «عده ای از وعاظ و خطبای تهران را برده اند سازمان امتیت و تهدید کرده اند که از سه موضوع حرف نزنند: از شاه بدگویی نکنند، به اسرائیل حمله نکنند و نگویند که اسلام در خطر است. تمام درگیری ها و اختلافات ما در همین سه موضوع نهفته است. اگر از این سه موضوع بگذریم، دیگر اختلافی نداریم» بدین گونه عاشورا، بستر جریان صحیح نهضت بود تا جهت گیری اصلی را بنمایاند. هواداران راستین خویش را گردآورد و تپش و خیزش را در آنان بیافریند. واقعه قیام قم در سال ۵۷، در ماه محرم رُخ داد و این ادعا را مجدداً مبرهن ساخت. امام با این دریافت، در گرامی داشت

آن واقعه نوشتند: «ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد... ماهی که به نسل‌ها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سر نیزه را آموخت. ماهی که شکست ابرقدرت‌ها را در مقابل کلمه حق به اثبات رساند... اکنون که ماه محرم چون شمشیر الهی در دست سربازان اسلام و روحانیون معظم و خطبای محترم و شیعیان عالی مقام سید الشهداء است، باید حدّ اعلاّی استفاده از آن را بنمایند». شعارهای انقلاب از نهضت حسینی الهام می‌یافت. آن گفتارها، کلام بیگانه‌ای نبود تا هاضمه نهضت آن را نپذیرد، صدها سال با آن خو گرفته بود و نسل‌های متمادی آن حوادث را در یاد نسل آینده، به یادگار نهادند و چنین شد که شعارهای انقلاب اسلامی با امواج وجودی عواطف و شعور ملت هماهنگ شد و شتاب نهضت را پدید آورد. شعار: «نهضت ما حسینی، رهبر ما خمینی» و ده‌ها شعار مشابه، از این الگوگیری حکایت داشت. پس از پیروزی و تهاجم گرایش‌های گروهی، امام از این اصالت دفاع کردند و در لزوم احیا و استمرار سنت عاشورا تأکید ورزیدند. آن بزرگوار، مسجد و حسینیه‌ها را متلازم می‌یافتند. عبادت و عشق و حماسه را در تلقین و تلفیق این دو مرکز می‌توان یافت. اگر در جامعه شیعی، سنت عاشورا به فراموشی سپرده شود، راز بقای تشیع در خطر خواهد افتاد و با این تلقی‌ات واقع‌بینانه، در اوج وقایع لانه جاسوسی و پیدایش روح حماسی ضدّ آمریکایی، امام در محرم سال ۵۸، در لزوم گرامی‌داشت شاعر عاشورا، کوبنده‌ترین و مبسوط‌ترین سخنان را ابراز فرمودند. در بخشی از آن سخنان آمده است: «ائمه، این قدر اصرار کردند به این که مجمع داشته باشید، گریه نکنید... برای این که حفظ

می کند این، (گریه و عزاداری) کیان مذهب ما را، این دسته جاتی که در ایام عاشورا راه می افتند، خیال نکنند که ما این را تبدیل می کنیم به راهپیمایی.... همان سینه زنی ها، همان نوحه خوانی، همان ها رمزپیروزی ماست. در سرتاسر کشور، مجلس روضه باشد. همه روضه بخوانند و همه گریه بکنند. از این هماهنگی تر چه؟ شما در کجا سراغ دارید که یک ملت این طور هماهنگ بشود؟ کی اینها را هماهنگ کرده؟ اینها را سید الشهداء هماهنگ کرده است». بدین گونه امام، تبیین فرمودند که نیروی انرژی زای انقلاب، اتکای به نهضت عاشورا است. مقاومت در یک جبهه نابرابر، جز درس آموزی از قیام کربلا ممکن نیست. در عرصه مقابله با استکبار جهانی، چه امید و مددی جز آن می توان داشت. اگر چنان اُسوه ای در یاد نباشد، دیر یا زود رعب و وحشت در دل نسل انقلاب، ره می یابد و آینده ای تیره و تار در باورها ترسیم می گردد. پایداری و استقامت در مقابل ظلمات متراکم فتنه و نیرنگ، کار آسانی نیست. پشتوانه ای مطمئن و آینده ای روشن می طلبد و نهضت عاشورا تضمین گر آن اتکا و امید است.

### نقش حماسه عاشورا در ادبیات (شعر) دفاع مقدس

حضور عاشورا در سالیان جنگ تحمیلی، توصیف ناکردنی است. در شب های عملیات، یاد شب عاشورا، ذکر و ترنم لب ها بود. نوار سر رزمندگان، بازوبند نیروها، رمز عملیات و هزاران سمبل دیگر را در یاد آن واقعه آذین بستند و وقایع کوچک و بزرگ آن رویداد، تجسیم عینی یافتند. کودکان، نوجوانان، پیرمردان و زنان یاد آن روز را به نمایش آوردند. در وقایع کوچک و بزرگ جنگ، جز عاشورا تسلی نبود. مادران داغدار، یاد جوانان حسینی را مرهم درد داشتند. زنان، یاد همسران شهیدان کربلا را در

خاطر مرور کردند و همگان، مصیبت حسینی را جانمایه هزاران غم و درد نمودند. در تشییع گل های خونین، سرود غم گداز نینوا را نواختند و سرشک میلیون ها هم درد، نه در مصیبت امروز، که در عزای تاریخ مظلومیت فرو ریختند. رزمندگان وصیت نامه های خویش را با یاد نهضت حسینی متبرک می کردند، از آن درس می گرفتند، آموزه های خویش را باز می گفتند و تفسیر آن حادثه را با زبان روشن و بی تکلف بیان می کردند. کم تر پیام و خاطره و وصیت نامه ای از نام و یاد عاشورا، فارغ می توان دید. در نگاشته های یکی از این عزیزان می خوانیم: «تو ای حسین (ع) ای تو که معشوقی در مسلخ عشق، صدها عاشقت را به قربانگاه کشاندی، ای سید الشهداء (ع) که آخرین شب را از دشمن مهلت خواستی، نه برای وداع با دنیا، با تمام دنائت، که اسفل السافلین، بلکه برای وصال به عقبی با تمام عظمتش... امروز جوانان ما تو را رهنمون راه خویش ساخته اند» یا در نوشته ای دیگر می یابیم: «خدایا! ما مکتب شهادت را از کسی آموختیم که فریاد «احلی من العسل» این انتخابش بر ما الگو گشت». به برکت عاشورا، ادبیات جنگ شکل یافت. در شعر و سرود و نقاشی و فیلم و تئاتر جنگ، حضور عناصر واقعه کربلا محسوس بود. شاعر جنگ می سرود: دیروزت اگر رو به قتال آوردیم در پاسخ تو زبان لال آوردیم امروز به خیمه گاه آن دعوت ناب صد علقمه لیبک زلال آوردیم بدین گونه شعر جنگ از عناصر عاشورا، مدد گرفت. آن حادثه را به روایت آورد و خون در کالبد امت، تزریق کرد. کربلا، یاد آشنایی بود که نسل نو را به سوی خود خواند و ذوق و هنر به کمک آن آمد. صحنه های خون و پیکار، یاد دشت

خونین کربلا را به خاطر آوردند و شاعران سرودند: دزفول به نینوای خون می ماند هر خانه به نخل سرنگون می ماند سکوت و قعود مخاطبان حسین (ع)، جانگداز بود و اینک انبوه بسیجیان، شوق آور نمود. در بیان شعر، لیک نسل نو ترسیم گردید. آنان که در کربلا- نزیستند، امیا شور آن، زیستن و مردنی دیگر به آنان داد. آنان گفتند: کربلا را خبر مرگ سواران سکوت مردم از حنجره امت ما می آید شور شهادت طلبی را شعر جنگ از کربلا وام گرفت و حادثه عاشورا را در خدمت آن قرار داد. شاعر جنگ، از صدها و هزاران واقعه کمک می گرفت که در آن حادثه رُخ داد و از آن جمله: از کربلا می آیند، بی سر، ولی سرافراز در مکتب حسینی سرها طلایه دارست از دیدگاه بر در خون می چکد سراسر این آستان خاموش پوشیده از غبارست حلاج و دار معراج خونین ترین حماسه است ای خیل نابکاران، این قوم سر به دار است انبوه سر به دار، در پناه آن سر طلایه دار قوت مقاومت یافت. نبرد طولانی و پرافت و خیز، جز در اقتدای به آن قیام، غیر میسور بود و این الگو واتکا، نعمت مبارک برای مقاومت امت شد. نسل جنگ، پیام عاشورا را شنید و در راه آن مایه گذارد. حدیث عشق را از سؤال برون دانست و در میدان بلا، رقص خون کرد و خدا را خونی های خویش یافت. او در چهره خمینی، نوای مظلومیت حسین را مکرر دید و در پاسخ آن، اهمال نکرد. شاعران، این دریافت را عرضه کردند: به هوش باش که تاریخ می شود تکرار صدا، صدای حسین است کز جماران است چاووشان جنگ و جهاد، از: «یک یا حسین دیگر» سخن گفتند و



داغداران عاشق، مرهم زخم هزار ساله را در حضور بی دریغ، درمان کردند. خون و بوی و یاد و تربت و مزار حسینی، دل بود و جان ستاند و از خاک گلگون، ستاره های فلک گردون ساخت تا بدرخشد و بمانند: (کل شیء هالک الا وجهه). اینک برای امروز و روزهای دیگر، نایستی از آن پشتوانه، غافل شد و در خود، تنید و از عاشورا برید. امت مظلوم، با مکر و فریب و قدرت و تزویر، درگیر خواهد بود و در اوج ناکامی ها، یاد و خاطر حادثه کربلا، بانگ جزس غافلان است و امید بیداران.

## اسوه های اخلاقی در حماسه عاشورا

### اشاره

«اخلاق جایگزینی عادت های شایسته به جای ناشایسته است عادت هایی که شرع مقدس اسلام جزئیات آن را مشخص کرده است» اخلاق بخشی از حکمت عملی است که در حوزه فرهنگ اسلامی عبارت از این است که امور مربوط به خود و خانواده و جامعه و سیاست برنامه ریزی شود و چنین اخلاقی را کتاب و سنت می سازد و در رفتار بزرگان تبلور پیدا می کند.» در زندگی امامان شواهد بسیاری داریم که آنان در عین حال که تعالیم انسان دوستانه را یاد می دادند «خود نیز در مقاطع مختلف، در گرمای ظهر و سرمای سخت نیمه شب، دست به عمل زده در هر مقیاس که ممکن بوده است خوراک و وسیله زندگی برای بینوایان حمل می کرده اند.» پیروان خود نیز عملاً تعلیم می داده اند. خاندان ولایت و یاران با وفای حسین (ع) در قضیه کربلا- نیز همان طور که در رعایت آداب و دستورات اخلاقی و انجام امور شایسته مظاهر اخلاق بودند، در تدبیر، سیاست، اجرای احکام عبادی و تربیتی نیز بهترین سرمشق به شمار می آمدند. آنان به جهانیان آموختند که فرامین قرآنی تنها برای

گفتن و نوشتن و شنیدن نیست بلکه برای اجرا و عمل است.» آنان در صحنه پیکار حضور یافتند و با آفریدن حماسه ای عظیم تعهد خود را به انجام رسانیدند. اینک به اختصار به توضیح ارزش های اخلاقی نظیر مروّت، ایثار و فداکاری که برجستگی بیشتری دارند می پردازیم:

## مروّت

حسین (ع) با دشمنان به شیوه پدرش علی (ع) رفتار می کرد. سیراب کردن آنان به هنگام تشنگی و پرهیز از ترور و غافل گیری، نمونه های روشنی از مروّت است. حسین (ع) نیز با این که از فسق و فجور و خباثت شمر بن ذی الجوشن و اهانت وی به حریم ولایت آگاه است پیشنهاد حمله ناگهانی سپاه خود را رد می کند و می گوید: «ما هرگز شروع به جنگ نمی کنیم؛ و لو به نفع ما باشد.»

## ایثار

ایثار، عاطفه ای است اخلاقی، انسانی و اسلامی که در حادثه کربلا به اوج خود رسید. از خودگذشتگی ابو الفضل العباس (ع) در نوشیدن آب تجسّی می از ایثار بود. وی پس از دفع مزاحمان به شریعه فرات رسید. هنگامی که مشک را از آب پر کرد با این که خود نیز تشنه بود به یاد تشنگی مولایش از نوشیدن آب منصرف شد. آن را ریخت و آنچه بر دلش گذشت، بر زبان جاری کرد (رجز خواند) و چنین گفت: «عیّاس! حسین (ع) درخیمه تشنه است و تو می خواهی آب گوارا بنوشی! به خدا قسم... رسم برادری، رسم امام داشتن، رسم وفاداری چنین نیست.» ابوالفضل مظهر وفا بود. نمونه دیگر عمر بن قروی انصاری بود که خود را به هنگام نماز در برابر پیکان های کفّار سپر ابا عبدالله (ع) قرار داد و از پا درآمد... وی در عین حال تردید داشت که وظیفه اش را انجام داده و به عهدش وفا کرده است.

## مساوات

اصحاب حسین (ع) ترکیبی از آزادگان و بردگان آزاد شده بود و شیوه رفتار امام هم نسبت به نقش آفرینان و ایثارگران یکسان بود. رنگ، قومیت، موقعیت و نژاد آنان در نظر و قضاوت وی تأثیری نداشت و مساوات حاکم بود چنان که دو نفر از عده معدودی که امام خود را به بالین آنان رسانید برده آزاد شده بودند. «جون» یکی از آنها بود که وقتی به شهادت رسید امام خود را به بالین وی رسانید و حشر او را با «ابرار» که مقامی برتر از متّقین است از خدا درخواست کرد: «خدایا در آن جهان او را با «ابرار» محشور کن.» دیگر مردی رومی است

که وقتی از اسب بر زمین افتاد ابا عبدالله (ع) خون را از جلو چشمانش پاک کرد و صورتش را بر صورت وی گذاشت. این صورت بر صورت نهادن منحصر به همین غلام و فرزندش علی اکبر بود: «فَوَضِعَ خَدَّهُ عَلَى خَدِّهِ... مَتَّبِعْهُ إِلَى رَيْبِهِ...» صححه خونین کربلا متضمّن پیام های اخلاقی، اجتماعی، توحیدی، اعتقادی، عرفانی، اندرزی و پرخاشگری است که با جانبازی های کم سال ترین (طفل شیرخوار ابا عبدالله (ع)) تا کهن سال ترین مرد (جابر بن عروه غفاری) و زن (زوجه عبدالله بن عمر کلبی) تجسم پیدا کرد و هر یک عهده دار نقشی بودند در آن روز هیچ کدام از اصحاب حسین (ع) در برابر دشمن ضعفی از خود نشان ندادند، فرار نکردند و به سپاه دشمن نپیوستند.

## انتخاب انقلابی حر

بر عکس نیروی جاذبه، ایمان و شیوه رفتار امام در امر به معروف عملی سبب شد که «حَرْ» را که نامزد امارت بود و ادار به توبه کرد و در زمره (التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الزَّكَوَاتُونَ السَّاجِدُونَ الْإِلَاءِ مَرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ) قرار گرفت او در بروز حال توبه و توجه تام به خدا و اولیای او و قطع علاقه دنیوی عاقبت به خیر شد و سرمشق دیگران گردید وی پس از توبه با اجازه امام در مقابل مردم ایستاد و گفت: شما همان کسانی هستید که به وسیله نامه به وی وعده یاری دادید، پیمان شکنی آنان را زشت و ننگین شمرد و پس از اتمام حجّت ها جنگید تا به شهادت رسید و این چنین مورد تَفَقُّد حضرت ابا عبدالله (ع) واقع شد: «و نَعْمَ الْحَرُّْ حُرٌّ بَنِي رِيَّاحٍ؛ اَيْنَ حَرُّْ رِيَّاحِيٍّ چِه حَرُّْ خُوبِيٍّ اِسْت.» «قدردانی و ارج نهادن به عمل شایسته مؤمنی که

برای حاکمیت فرمان اساسی «امر به معروف و نهی از منکر» تا پای جان می ایستد خودش امر به معروف است و موجب می گردد که دیگران نیز به انجام امور شایسته راغب گردند. از جمله کسانی که حسین (ع) خود را به بالین آن رسانید ابو الفضل العباس بود. وی یادگار شجاعت امیرالمؤمنین (ع) است و مورد علاقه شدید ابی عبدالله (ع) که عبارت های عباس جانم، بنفسی انت (ای جان من به قربان تو) نشان گر دره محبت اوست. عباس (ع) در آن هنگام که سرگرم پیکار است، برادر به حال انتظار ایستاده است که ناگهان فریاد مردانه ابا الفضل را شنید. خود را به بالین او رسانید از دیدن پیکر قطعه قطعه شده عباس و کشتار بی رحمانه یزیدیان به قدری منقلب گردید که «چهره حسین (ع) شکسته شد: «بان-الانکسار فی وجه الحسین» از میان کسانی که حسین خود را به بالینشان رسانید هیچ کدام وضعی دل خراش تر و جانسوزتر از ابا الفضل العباس (ع) نداشت.» هنگامی که فرزندان و اصحاب امام وظیفه خود را انجام دادند و دعوت حق را پاسخ گفتند و به درجه والای شهادت رسیدند، امام در حالی که ارواح پاک آنان را مورد خطاب قرار داد، پیروزی معنوی سپاه اسلام را به آنان نوید داده و نفرت و انزجار دایمی جهانیان را یادآور گردید: «ای ارواح پاک برخیزید، ستم گران و ناکسان را بنگرید که چگونه در عین غلبه متلاشی و مغلوب گشته اند و برای همیشه شکست خورده اند و برای ابد منفور گشته اند» ظاهراً از اصحاب و فرزندان امام به جز حضرت سجاد (ع) - که در بیماری به سر می برد - کسی باقی نماند. لذا خود حسین (ع) آماده رفتن

به قربان گاه شد. حضرت ابا عبدالله (ع) در دقیقه های آخر زندگانی خود آنان را از چنین پایانی بیم داد: «به خدا اگر مرا کشتید به جان یک دیگر می افتید و خون یک دیگر را می ریزید، اما خدا به این کیفر بر شما بسنده نخواهد کرد، عذابی سخت برای شما آماده خواهد ساخت.» امام به خاطر پاسداری از حریم مقدّس اسلام و ارزش های گران بهای آن در هیچ شرایطی جزع و بی تابی نکرد و تسلیم قدرت طلبان و زورگویان جائز نشد و کشته شدن و اسارت خاندان را به جان خرید و به عهد خود وفا کرد و شهادت را عاشقانه پذیرا شد و به سوی محبوب شتافت. حسین (ع) با شهادت خود از یک سو راه مبارزه با بیدادگری، فساد و ناجوانمردی... را نشان داد و از سوی دیگر با خصلت های عالیله انسانی راه وصول به کمال و تقرّب به حق را آموخت و پرچم حقّانیت و عظمت تشیّع را به خواهرش زینب کبرا (س) سپرد.

## بانوی کربلا

زینب (س) کاروان سالار است. وی نمونه اعلا و الگوی تمام عیاری از چگونگی حرکت انسان به سوی کمال است و پس از برادر مسئولیت ادامه نهضت پرخروش حسین را بر عهده دارد، پرستاری از حجّت خدا، امام زین العابدین (ع) نیز با اوست. هنگامی که اهل بیت را در بدترین و نامناسب ترین شرایط به کوفه می آورند در مدخل کوفه زینب (س) دختر با فضیلت علی و فاطمه می درخشد. وی در حالی که شجاعت و عفت و پاکی زنانگی درهم آمیخته بود ضمن القای خطابه ای برای اهل کوفه تلخ کامی و غم و اندوه دایمی را می طلبد (نفرین می کند) و آنان را متوجّه این واقعیت می کند که

چگونه تحت تأثیر نفس پر فریب قرار گرفتند و بازیچه امیال جنایت کاری شدند و ننگ کشتن فرزند پیغمبر را بردوش کشیدند و برای همیشه به عذاب الهی گرفتار شدند. زینب (س) خطابه خود را بدین گونه آغاز می کند: «هرگز اشک های شما خشک نشود و شیونتان آرام نگیرد... ننگ کشتن نواده خاتم پیغمبران و سالار فرستادگان را چگونه می توانید بشوید؟» آری اسرای دودمان رسول اکرم (ص) با تبلیغات سوء عمال یزید به عنوان خارجی به کوفه وارد شدند اما «آنها هرگز به صورت یک جمعیت شکست خورده درنیامدند و دنبال همان هدف حسینی بودند.» زینب (س) بانوی خردمند بنی هاشم با تکیه به نیروی معنوی و عظمت روحی اش ترسی به خود راه نداد و با کمال شجاعت کوفیان عهدشکن و ابن زیاد پلید بی رحم سرکش و یزید مقتدر مستبد تبه کار را رسوا کرد.

## رسالت امام سجاد

امام زین العابدین (ع) در نابسامان ترین دوره امامت ائمه اطهار: می زیست. پس از واقعه عاشورا و آغاز خلافتش همراه اسرا به اسیری برده شد. در مدخل کوفه زینب (س) خطبه ای ایراد فرمود که به بیداری و آگاهی اهل کوفه و کارگزاران یزید انجامید و موجب تأثر، سرافکنندگی و پشیمانی آنان گردید و زمینه درخشش امام چهارم (ع) را در مسجد شام فراهم ساخت. وی در حضور یزید بن معاویه با سخنرانی خود در باره تصحیح فرهنگ سیاسی جامعه و تبیین اسلام و رهبر اسلامی و پیشوای قرآنی موضع خود را تشریح کرد. امام در مدت سی و چهار سال امامت خود مسائل مختلفی مربوط به جامعه را در قالب صحیفه سجادیه نشر داد و خاطرات عاشورا را زنده کرد. امام از موضع حق حراست نمود و در مراقبت بر جریان های داخلی جامعه

اسلامی همت گماشت و به پرورش فرزندی که پس از وی به امر خدا امام خواهد بود توجه داشت و «از تربیت فرزند دیگر خویش زید بن علی بن الحسین (ع) که به عنوان پرچمدار انقلاب خونین دیگر زیر نظر امام خود باید به پاخیزند تا تبلور عاشورا کاستن نگیرد غافل نبود.» حادثه عاشورا و نهضت امام حسین بسان خورشیدی سرچشمه فیض بخشی در عرصه ها و سطوح مختلف برای آزادگان - به ویژه شیعیان - گردید. خون «مطهر حسین (ع) و یارانش بر زمین ریخت، اما از آن خون درخت آزادی و آزادگی روید... و این نهضت سرچشمه صدها نهضت دیگر شد که در تاریخ اسلام پدید آمد مانند: نهضت توّابین، مختار ثقفی، زید بن حسن، شهدای فح و... و تا هم اکنون نیز هر نهضتی که علیه ستم و تباهی و روش های بیدارگرانه در دنیای اسلام و شیعه پا می گیرد.»

## عظمت قیام امام حسین

نهضت امام حسین (ع) نهضتی مقدّس، متعالی و روحانی بود، پاکی، خلوص، بی اعتنایی به دنیا، بری بودن از اغراض شخصی و آز و جاه طلبی و خودخواهی از ویژگی های این قیام است. انقلاب آن حضرت درس قسط، عدالت، توحید، شرافت، ایثار و فداکاری به مردم داد. فرزند پیامبر (ص) با خون خویش درخت اسلام را که رو به خشکیدگی گذاشته بود، آبیاری کرد و در تاریکی ظلم و فساد بنی امیه درخششی به وجود آورد که آن محیط ظلمانی را نور و روشنائی بخشید و بزرگ راه سعادت را نمایان کرد و ابرهای تیره و تاری از آسمان بر جوامع اسلامی؛ بلکه انسانی پراکنده شد و چهره اسلام را چنان که هست بر جهانیان آشکار ساخت. به همین جهت

است که سوره «الفجر» سوره «الحسین» نامگذاری شده است. از امام صادق (ع) نقل شده است که این سوره درباره حسین (ع) نازل شده و سوره حسین (ع) است و چون آن جناب با اخلاص کامل در راه خدا خاندان و اموالش را فدا نمود، باطمینان و اشتیاق فراوان به دیدار معبود خود شتافت و مصداق واقعی «نفس مطمئنه» واقع شد و در نزد پروردگار در جوار رحمتش قرار گرفت. لذا امام صادق (ع) فرمود: مقصود از «نفس مطمئنه» حسین و یاران اوست که صاحب نفس مطمئنه اند که در روز قیامت رضوان خدا برای ایشان است و خداوند از ایشان راضی است. او کسی است که با نیل به درجه رفیع شهادت جاودانگی یافت، به میزانی که در راه موضوعی فدا و فانی می شود ارزش آن را به خود می گیرد و کسب می نماید. حسین بن علی (ع) کسی است که تمام هستی و متعلقات خویش را با اخلاص در راه خدا که اصل و منشأ تمام کمالات و تقدّس هاست، فدا و فانی نموده است. پس جای شگفتی نیست که بگوییم تمام تقدّس ها و کمالات و جاودانگی به وجود فدا شده اش انتقال یافته است هم چنین بی جهت نیست که محبّت و عشق به آن حضرت در دل های مؤمنان جایگزین شده به همان گونه که محبّت و علاقه به خداوند در آن دل ها جای دارد. از رسول اکرم (ص) نقل شده است: «همانا برای شهادت حسین (ع) حرارتی وجود دارد که هیچ گاه سرد نمی شود.» و نیز فرمود: «برای حسین (ع) در دل های مؤمنان محبّتی است.» آری! حضرت سید الشهداء (ع) - که از روی خلوص به پیشگاه معبود خویش سر عبودیت فرود آورده و بر آن



مداومت ورزیده - به اوج کمال و قرب ذی الجلال رسیده و آن قدر شرافت و قداست پیدا کرده که صحیح است او را به خدا نسبت دهند، مثلاً بگویند: دست او دست خدا، خون او خون خدا و گوش و زبان و چشم او گوش و زبان و چشم خداست و این بدان جهت است که توجه به خدا، فداشدن در راه او و استمرار بر طاعتش، چنان انقلابی در وی به وجود آورد که عظمت خداوندی به او نسبت داده می شود، زیرا او از معنویت ارتباط با خداوند متأثر گشته است. در این باره حدیثی از امام باقر (ع) نقل شده است که همین معنا را می رساند و می فهماند که آدمی با رشته ارتباط و بندگی خالصانه خدا به مقامی می رسد که در فکر نگنجد و شرافت و قداست و ابدیت ذات اقدس ربوبی او را متأثر می سازد و آن خصوصیات به او انتقال می یابد: «... ان الله جل جلاله قال: ما تقرب الی عبد من عبادی بشیء أحب الی ممّا فرضت علیه وانه یتقرب الی بالنافله حتی أحبّه فاذا احبته كنت سمعه الذی یسمع به و بصره الذی یبصر به و لسانه الذی ینطق به و یده الّتی یبطش بها، ان دعائی اجبته و ان سألتنی أعطیته». حسین بن علی (ع) که در راه خدا و در راه افکار عالیّه اش شهید شد وجود مادی خود را نفی کرد اما به صورت منع فضیلت و مرکز شرافت و عظمت وجود جاودانه خود را اثبات نمود عقل و دین حکم می کند که بزرگان و افراد برگزیده را در حال حیات و ممات ارج نهمیم و آنان را دوست بداریم و از

یاد نبریم و در سالروز وفات و شهادتشان مجالس یادبود برپا کنیم، به ویژه که آن شخص تمام هستی خودش را در طبق اخلاص نهاده و از هیچ فداکاری در راه خدا دریغ نورزیده باشد. از این جهت است که در اقطار مختلف اسلامی به نام آن حضرت اقامه مجالس می کنند و چنین نیست که تکریم و تعظیم آن حضرت اختصاص به شیعیان داشته باشد؛ مثلاً در کشور مصر در روز ولادت آن حضرت و خواهر بزرگوارش حضرت زینب مجالس جشن و سرور برپا می دارند و در باره فضایل ایشان قلم فرسایی می کنند و کتاب ها و مقاله ها می نویسند. حسین بن علی (ع) برای هدفی بس عالی در راه معبود خود با نفس نفیس جهاد نمود. برای احیای فضیلت، رافت و برقراری آزادی و بیداری بشر قیام کرد. پس سزاوار است که تمام جوامع انسانی - خواه مسلمان خواه غیر مسلمان - به پاس احترام و بزرگداشت آن شخصیت عظیم الشان سال روز شهادت آن حضرت را بزرگ به شمارند و به سوک و ماتم بنشینند. او ابر مرد عالم و شخصیت بسیار بزرگوار است که تمام مکارم و فضایل را دارا بود؛ به گونه ای که ابعاد گسترده بسیار وسیع جودش همگان را متحیر ساخته است. از لحاظ نسب نیز کسی به پایه امام حسین (ع) نمی رسد: جدش رسول خدا، سید المرسلین و خاتم النبیین و پدرش علی مرتضی، سید الوصیین و مادرش فاطمه زهرا، سیده نساء العالمین و برادرش امام حسن مجتبی و عمویش جعفر طیار و عموی پدرش حمزه سید الشهداء است. فکر او بر محور ابدیت و ماورای محسوسات دور می زند. او شهادت را برگزید و متیّه را بر دئیّه و کرامت قداست را

بر لثامت اطاعت بدسگالان و نابکاران ترجیح داد. فرزند پیامبر (ص) چندان ثبات و استقامت و شجاعت و بردباری و صبر از خود بروز داده که نظر همه متفکران و بزرگان را به خود جلب نموده و همگان در برابر عظمتش سر تعظیم فرود آورده اند. هر کس که در باره احوال و رفتار آن حضرت مطالعاتی داشته باشد غیر ممکن است مجذوب فضایل و شخصیت او نگردد و از مصایبی که برای نجات اسلام و بشریت متحمل شده متأثر و انده‌گین نشود.

### عاشورا «یوم الله» است

روزهایی که در آن روزها وقایع مهمی انجام می شود و مسیر تاریخ در جهت رشد و کمال تغییر می نماید و سبب می شود که تحوّل در اجتماع به وجود آید و مردم راه فضیلت و سعادت را در پیش گیرند، «ایام الله» نامیده می شود. در قرآن مجید در دو مورد (سوره ابراهیم آیه ۵ و سوره الجاثیه آیه ۱۴) ایام الله ذکر شده است. از ابن عباس روایت شده است که منظور از آن روزهایی است که در آن روزها در امم پیشین وقایعی مهم رخ داده است واضح است که منظور وقایعی است آموزنده که بدان وسیله مردم از جهل و غفلت رهایی یافته اند و دگرگونی در تمام شؤون زندگی شان پدید آمده است. چون شهادت سبط پیامبر (ص) و یارانش در روز عاشورا باعث شد که حقایق، آشکار شود و اسلام تجدید حیات نماید، ستم گران رسوا شده و تغییر اساسی در جامعه اسلامی به وجود آید، آن روز «یوم الله» به حساب آمد. از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که عاشورا از «ایام الله» است. این روز به اندازه ای اهمیت داشته که به امم پیشین

نیز معرفی شده تا آنان نیز نتایجی را که بر این روز عظیم ترتب می یابد درک کنند و آن را پاس دارند. در حدیث مناجات حضرت موسی (ع) آمده است که حضرت موسی (ع) عرض کرد: خدایا! به چه جهت ائمت پیامبر خاتم را بر سایر امم برتری داده ای؟ خداوند فرمود: ده خصلت است که موجب برتری ایشان شده است. موسی (ع) گفت: آنها کدامند تا به بنی اسرائیل دستور دهم که به آنها عمل کنند؟ فرمود: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، جمعه، جماعت، قرائت علم و عاشورا. حضرت موسی (ع) پرسید: عاشورا چیست؟ فرمود: گریه کردن و خود را به گریه واداشتن بر سبط پیامبر خاتم است. از این حدیث برمی آید که اهمیت دادن به عاشورا و بهره مند شدن از آثار آن روز عظیم، در ردیف صلاه و صوم و سایر مبانی مهم اسلامی است و این بدان جهت است که اگر واقعه عاشورا و شهادت فرزند پیامبر (ص) نبود از اسلام واقعی و صلاه و صوم و سایر ارکان اسلام اثری بر جای نمی ماند.

### نتیجه گیری

امام حسین (ع) برای نسل های پس از خود میراثی گران بها به یادگار گذاشت. مسلمانان اندیشمند و مخلص به طور مسلم از ایثار و استواری امام و یارانش بهره ها برده اند، چرا که از جان گذشتگی این افراد بود که سبب تقویت و تحکیم مبانی اسلام شد به این ترتیب اسلام توانست در برابر هر گونه اتفاق ناگوار - چه در داخل جامعه اسلامی و چه خارج از آن - ایستادگی کند و از آن پس تفرقه، از هم گسیختگی یا اعمال عوام فریبانه نتوانست مانع از پیشرفت اسلام شود. امام حسین (ع) با قیامش، منتهای جانبازی و ایثار

را به نمایش گذاشت. آیا امکان دارد این جانفشانی، برای نسل آینده عبرت آموز نباشد و به یادگار نماند؟ این پرسشی است که باید بدان پاسخ گفت. نخست: به نظر طرفداران احیای دین، قیام امام حسین (ع) الهام بخش کاروان گمراه شدگان در بازگشت به مسیر حق است. امام حسین (ع) سرمشق کسانی است که می کوشند مستضعفان را از قید حکومت های ستم پیشه آزاد کنند و برای انسان هایی که در پی رهایی از چنگال مستبدان هستند، کربلا تجلی گاه قدرت است. دوم: واقعه کربلا به انسان می آموزد که می بایست در مبارزه برای حقیقت و آزادی، جان خویش را نثار کند. امام حسین به بشریت آموخت که حکومتی که بر بی عدالتی و استبداد استوار باشد سزاوار تبعیت نیست و بر مؤمنان فرض است که نقض بشر جلوگیری کنند. سوم: این حقیقت آشکار می شود که پیروان اسلام، آن زمان که مبارزه (علیه کفر و نادرستی) را آغاز می کنند نباید به نتایج آن بیندیشند. تنها شرط مبارزه آن است که مؤمن، با صداقت و خلوص، قدم به میدان مبارزه گذارد. چهارم: هنگامی که مجاهدی برای تفوق و برتری اسلام در تمام جوانب زندگی می کوشد، نباید اجازه دهد مشکلات یا فقدان وسایل او را از هدفش بازدارد. او با ایمانی راسخ به پروردگار و با گام های استوار می بایست در راهی که انتخاب کرده است پیش رود. پنجم: هنگامی که مسلمانی به مبارزه با نادرستی و ظلم برمی خیزد نباید به آنچه برای خود، خانواده و اموالش پیش خواهد آمد بیندیشد، زیرا ممکن است این مسائل خلی در کارش ایجاد کند. وی باید به خاطر داشته باشد که در پیمانی که با خدای خویش می بندد برای جلب رضای او و نیز

راه یافتن به بهشت از همه وابستگی های خویش می گذرد. ششم: ایستادگی امام حسین (ع) و دستاوردهای ایشان این اصل کلی قرآن را اثبات کرد که وضع هیچ قومی بهتر نمی شود، مگر آن که خود برای دگرگونی وضع خویش به پاخیزند. به بیان دیگر: تغییر یک قوم بی آن که خطاها را از خود دور کنند و در برابری عدالتی قیام کنند عملی نیست. هفتم: پیامدهای شهادت امام حسین (ع) به دنیا نشان داد که بنابه نص صریح قرآن مجید دروغ و نادرستی نابود می شود و پیروزی از آن حقیقت است. بی شک پیامدهای آنی مبارزه امام حسین (ع) فجع و غم انگیز بوده است، امّا در نهایت امام (ع) و پیروان عدالت که ایشان را همراهی می کردند، افتخار و پیروزی را از آن خود ساختند و این مبارزه سرانجام با پیروزی حق خاتمه یافت. هشتم: وفاداری امام حسین (ع) به اسلام به عنوان دین و نظامی جهانی، اعلان جنگی بود به آنان که اسلام را به چهار دیواری مساجد محدود می کردند. آن حضرت صمیمانه معتقد بود که اسلام آن نور هدایتی است که جاه طلبی ها و امیال شخصی نمی بایست در اعمال قوانین آن و اشاعه آن نقش داشته باشد. لذا بنا به اعتقاد ایشان هدف اسلام، رشد بشر بود، نه استثمار او. لذا وظیفه هر مسلمان پارسا و پرهیزگار، در راه تحقق جهانی شدن اسلام، رها سازی اسلام از قید تنگ نظری ها و کوته فکری ها سیاسی بود که افراد خود محور و کوته بین برای آن ایجاد کرده بودند. کلام آخر آن که این ندا در صحرای کربلا طنین انداز شد که: «وفاداری به ستم کاران، بزرگ ترین جنایت ها است».

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه



بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

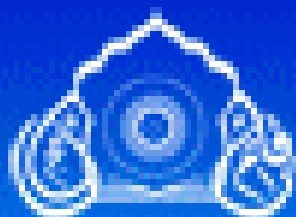
ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات قرآنی

اصفهان

# گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

